

واکاوی نقش حفره‌های دولتی پاکستان بر واگرایی قومی بلوچ‌ها در ایران

حمید رضا محمدی^۱

ابراهیم احمدی^۲

تاریخ پذیرش ۹۵/۰۳/۳۱

تاریخ دریافت ۹۵/۰۱/۱۷

۱) چکیده

حفره‌های دولت به عنوان پدیده‌هایی که بصورت سازمان‌یافته و در سطحی گسترده موجودیت و حاکمیت دولت‌ها را در فضای جغرافیایی به چالش می‌کشند. به همین دلیل، شناسایی حفره‌های دولت به عنوان عوامل به چالش کشاننده حاکمیت و امنیت دولت‌ها از اهمیت بسیار زیادی برخوردار می‌باشد. فرضیه این پژوهش در پی‌پاسخ به این سوال است که پاکستان از ناحیه حفره‌های دولت (حکومت) با چه مشکلاتی مواجهه است؟ چه رابطه‌ای بین حفره‌های دولتی پاکستان با چالش‌های قومی (بلوچ‌ها) در ایران وجود دارد؟ به نظر می‌رسد رابطه مستقیمی بین تأثیرپذیری مسائل قومی بلوچ‌ها در ایران و حفره‌ها و چالش‌های دولتی در پاکستان وجود دارد. قدرت غیر متعارف ارتش و آی.اس.آی، نفوذ گروه‌های متعدد اسلامی عمدتاً رادیکال، اعمال قدرت به احزاب خاص، وضعیت بد اقتصادی، توسعه انسانی ضعیف و مشکلات ناشی از مواد مخدر و ناتوانی این کشور در به حداقل رسانی خسارات ناشی از باران‌های موسمی، در ردیف مهم‌ترین حفره‌های دولتی پاکستان‌اند. این وضعیت با توجه به همجواری استان سیستان و بلوچستان و با وجود پتانسیل‌های واگرایی (داخلی و بیرونی) این استان، عرصه کنش پاره‌ای از تحولات واگراییانه قوم بلوچ در رابطه با ایران را به وجود آورده است. لذا شکاف‌هایی نظیر: هویت خواهی قومی، تنش‌های مرزی، قاچاق مواد مخدر و کالا، تروریسم و انواع خشونت‌های سازمان‌یافته در قالب گروه‌های معاند و معارض با نظام ایران؛ دارای رابطه مستقیمی با چالش‌های ساختاری کشور پاکستان‌اند.

واژگان کلیدی: ایران، پاکستان، سیستان و بلوچستان، قوم بلوچ، حفره‌های دولتی.

^۱. دانشیار و هیئت علمی جغرافیای سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، H-MOhamadi@sbu.ac.ir

^۲. کارشناسی ارشد علوم سیاسی، ebrahimahmadi1365@yahoo.com

۲) مقدمه

در تبیین سیاست منطقی به منظور برنامه‌ریزی دقیق و سنجیده، لازم است هر کشوری شناخت کافی از همسایگان خود داشته باشد تا بتواند فرصت‌ها را شناسایی و تهدیدها را دفع و خنثی کند. جمهوری اسلامی ایران برای این که بتواند بر چالش‌ها و تنگناهای پیرامونی غلبه، و چالش و رقابت‌های ناسازگار ژئوپولیتیکی را به همکاری تبدیل کند، در وهله نخست نیازمند مطالعه دقیق ژئوپولیتیک کشورهای همسایه و شناخت آنها است. مجاورت استان بحران‌خیز سیستان و بلوچستان با کشور بحران‌زده پاکستان، باعث شده است که بسیاری از تحولات این استان مرزی به طور عام متأثر از مسائل داخلی پاکستان باشد. از این حیث، ناحیه بلوچستان به عنوان بخشی از استان سیستان و در مقایسه بلوچستان به واسطه تمایز مذهبی، فاصله جغرافیایی نسبت به مرکز، فقر و محرومیت اقتصادی با سایر فضای‌های ملی، ساختار طایفه‌ای، تنگناهای طبیعی و فعالیت گروه‌های تروریستی بنیادگرا، همسایگی با دو کشور فقیر و بحران‌زده افغانستان و پاکستان به عنوان کانون تریاک در جهان و به تبع آن قرار گرفتن در گذرگاه اصلی عبور و ترانزیت مواد مخدر و همچنین پیوستگی سرزمینی بلوچ‌ها میان سه کشور ایران، افغانستان و پاکستان و کنش‌های گسترده میان آنها؛ مساعد و اگرایی ملی است. مهم است که بدانیم، دست کم طی یک دهه اخیر، سیستان و بلوچستان، به تبع از برخی از شناسه‌های فرهنگی و جغرافیایی به همراه تأثیرپذیری از تحولات فکری و سیاسی در شبه قاره هند و دو کشور بحران‌زده افغانستان و پاکستان (کاویانی‌راد و دیگران، ۱۳۹۴: ۳)؛ عرصه کنش پاره‌ای از تحولات و اگراییانه بوده است. به تعبیری مرزهای شرقی ایران در همسایگی کشور و دولت‌های ضعیف و بی‌ثبات، پاکستان و افغانستان همواره دچار تنش و بحران بوده و هست.

تحولات به وقوع پیوسته در پاکستان، طی این شش دهه از استقلال این کشور (در ۱۹۴۷م) نشان از این حقیقت دارد که پاکستان هیچگاه شرایط ایده‌آل امنیتی را تجربه نکرده است. فرایند دولت-ملت‌سازی ناقص (تعدد گروه‌های قومی، و گروه‌های فراوان مذهبی و بعضاً رادیکال)، ماهیت استعماری سرزمین پاکستان (که در ۱۹۴۷ از هند منفک شد)، مشکلات حل نشده مرزی (مخصوصاً عدم توافق در مورد قوم پشتون) با افغانستان، دشمنی دیرینه با هند (بر سر جامو و کشمیر) مرزهای بحرانی با ایران (هر دو بلوچستان) و غیره، عواملی‌اند که ناخواسته بخش از حفره‌های دولتی و چالش‌های منطقه‌ای پاکستان را شکل می‌دهند. هدف این پژوهش واکاوی و تبیین حفره‌های داخلی پاکستان و تأثیرگذاری این حفره‌ها بر مسائل قومی (بلوچ‌ها) در ایران است. از این منظر باید گفت؛ پاکستان همانند چالش‌های متعدد بیرونی با چالش‌های متعدد داخلی مواجهه است که در اینجا از

آنها به عنوان حفره های حکومتی کشور پاکستان یاد می شود. نویسنده معتقد است با توجه به همجواری استان سیستان بلوچستان با کشور پاکستان، در سایه مشترکات قومی و مذهبی با این کشور، متعاقباً مسائل قومی بلوچها در ایران، همانند: مسائل ایدئولوژیکی و مذهبی، بیگانگی ملی، تأثیرپذیری بلوچها از همتایانشان در ورای مرزهای قومی (در کشور پاکستان)، مسائل عدیده مرزی (قاچاق کالا و مواد مخدر، ترور و انواع خشونتها)؛ با وجود زمینه های واگرایی داخلی (ایران)، دارای نسبت معنی داری با تحولات ساختاری کشور پاکستان اند.

۳) مفاهیم نظری

هدف اساسی هر دولت در مقام مرجع سازمان بخشی زمین و مردم، کنار هم آوردن بخش های مختلف سرزمین و افراد مناطق مختلف گستره دولت تحت نظام سازماندهی شده واحد است. در همه این موارد تلاش برای کنترل و انحصار کامل روابط سیاسی داخلی، یا به عبارت ساده تر ایجاد و حفظ قانون و نظم می باشد (Dikshit, 1990: 120). در سراسر جهان مدرن ما «قلمرو» مستقیماً با حاکمیت پیوند دارد. تا سیاست را به صورت یک روند اجتماعی، بر اساس حکومت محور شکل دهد؛ تا حدی که آن دسته از منازعات که حکومت را در بر نمی گیرند، غالباً و همان طور که عموماً تصور می شود. به عنوان سیاست خارجی تلقی شود (Giddens, 1985: 151). لذا اگر از دولت ها بخواهند از حاکمیت خود دست بردارند مثل این است که از مردم آن بخواهند از آزادی خود صرف نظر کنند (Taylor, 1993: 155).

از دیگر سو، قدرت حکومت از پیوند سرزمینی میان حکومت و ملت ناشی می شود و حکومت ها و ملت ها در سرزمین خود مختار و میهن ملی، جامعه ای بر مبنای مکان دارند که آن را قادر می سازد تا به عنوان حکومت ملی به هم ببینند. «تفوق رویه سیاسی که در جهان به واسطه قلمروخواهی حاصل می شود، نتیجه این ارتباط مکانی میان سرزمین خود مختار و میهن ملی است» (Taylor, Ibid: 154). از پیامدهای آشکار جغرافیایی این مفهوم، بروز یک الگوی قابل تشخیص تعامل فضایی است؛ به این معنا که برخی فعالیت ها در منطقه ای معین به طور انحصاری انجام می شوند و از ورود دیگران به آن محدوده جلوگیری می شود. اما چنین به نظر می رسد که دولت ها در طول تاریخ هرگز نتوانسته اند بر سرزمین و قلمروی خود به طور کامل اعمال حاکمیت کنند.

به عقیده آگنیو (۲۰۰۵)، کراسنر (۱۹۹۹) و ویلیامز (۱۹۹۶)، دولت ها هیچگاه آنچنان که در حاکمیت آرمانی مد نظر است بر امور و سرزمین خود کنترل ندارند (گالاهر و دیگران، ۱۳۹۰: ۴۸). می توان گفت دلایلی نظیر: نابرابری در فرصت های اقتصادی، طبیعت، فرهنگ، زبان، هویت خواهی، تاریخ و غیره از عمده دلایلی اند که باعث شده دولت ها بر حاکمیت انحصار بر قلمروی خود عاجز بمانند. وقتی این تفاوت های مکانی عمیق باشد و انسان های مکان های کمتر توسعه یافته نسبت به این تفاوت ها آگاهی یابند و سهم خود را در مشارکت ملی به علت همین تفاوت ها در حداقل ببینند، تنش هایی را برای

حکومت ایجاد می‌کنند. زمانی که این تنش‌ها در سطح ملی توسعه نیابند و صرفاً انسان-های ساکن در مکان‌هایی خاص را تحت تأثیر قرار دهد، احساس منطقه‌گرایی در مقابل ملی‌گرایی تقویت می‌شود. در اینجا است که تنش‌های منطقه‌ای در یک قلمرو مشخص در داخل فضای ملی با درخواست‌های مشترک مردم آن منطقه مطرح می‌گردد. همین امر سبب می‌شود که مفهوم «قلمرو مؤثر ملی» یک دولت به چالش کشیده شود و نظارت دولت بر منطقه و اگر کاهش یابد. ادامه چنین روندی است که مفاهیم «منطقه هسته» و «منطقه حاشیه‌ای» را در درون فضای یک کشور ظاهر می‌کند و گونه‌های متعددی از حفره‌های دولتی (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و...) را پدید می‌آورد (پیشگامی‌فرد و رضائی، ۱۳۸۸: ۱۴۰).

با افزایش «حفره‌های دولت» که به صورت «مناطق ملال‌آور» یا در گستره‌ای متفاوت به صورت «نقاطی جرم‌خیز» درآمده‌اند، دامنه اقتدار دولت را تا حدی می‌تواند کاهش دهد که سبب روند کوچک شدن «نواحی کارآمد دولت» شود و کارآمدی «محور - حاشیه» را که در آن سلسله مراتب حاکمیت از مرکز به پیرامون مشاهده می‌شد - دگرگون ساخته و آن را در رابطه‌ای معکوس قرار دهد به طوری که ظرفیت ناحیه محور برای کسب منفعت به حداقل رسیده و در مقابل ظرفیت حاشیه از طریق فشارهای مخفی و آشکار، چانه زنی‌ها و تهدیدها به حدی افزایش یابد که «منابع برای تهدید امنیت ملی» شود (پیشگامی‌فرد، ۱۳۸۵: ۳).

در یک دسته بندی، از نظر قلمروی جغرافیایی، حفره‌های دولتی - سه دسته‌اند؛

۱ - **حفره‌های ملی:** منظور آن دسته از حفره‌هایی هستند که در سطح ملی در ابعاد مختلف حاکمیت دولت‌ها را به چالش می‌کشند مانند تمامی تلاش‌ها یا تهدیداتی که در چارچوب مرزهای شناخته شده بین‌المللی رخ داده و دولت‌ها را وادار به عکس‌العمل می‌نمایند. مهمترین عواملی که منافع و امنیت ملی و حاکمیت سرزمینی را در قلمرو ملی به چالش می‌کشند، عبارتند از: نارضایتی عمومی و آشوب‌های اجتماعی؛ گروه‌های سیاسی معاند و محارب؛ جنبش‌های استقلال طلبانه قومی، مذهبی، نژادی؛ عدم انسجام و وحدت رهبری سیاسی و ضعف مدیریت و ناتوانی نظام اداری کشور؛ عدم اعتماد مردم به هیأت حاکمه، فقدان ثبات سیاسی و اجتماعی و ... (پیشگامی‌فرد و رضائی، ۱۳۸۸: ۱۴۱).

۲ - **حفره‌های منطقه‌ای:** آن دسته از فعالیت‌هایی که در سطح منطقه و در ارتباط با همسایگان اتفاق افتاده و باعث ایجاد وضعیت بحرانی و چالش‌های امنیتی می‌گردند، که عمده‌ترین آنها عبارتند از: تضادهای ایدئولوژیک (مانند اسلام با صهیونیسم) برخورد و تضاد منافع، اختلاف بر سر تقسیم آب یا آلودگی آب‌های مشترک، برتری قدرت نظامی و یا قدرت اقتصادی و تکنولوژیکی کشور هدف، سیل مهاجرت‌های جمعی غیرقابل کنترل، بحران‌های منطقه‌ای و جهانی، قاچاق چیان و گروه‌های تروریستی بین‌المللی و... (همان: ۱۴۲)

۳- **حفره‌های بین‌المللی:** حفره‌هایی که میدان عمل آنها فراتر از مرزهای یک کشور خاص یا منطقه ویژه‌ای بوده و اصطلاحاً مرز نمی‌شناسند. مهمترین حفره‌های بین‌المللی عبارتند از: مراکز توزیع مواد مخدر، انتشار بیماری ایدز، مسائل و مشکلات زیست محیطی (مانند پاره شدن لایه ازن، گرم شدن کره زمین، باران‌های اسیدی، انهدام جنگل‌ها و...) (همان: ۱۴۲)

۴) یافته‌های پژوهش

۴-۱) عمده‌ترین حفره‌های ساختاری کشور پاکستان

۴-۱-۱) سیطره بی‌رقیب ارتش

بزرگترین، قوی‌ترین و تأثیرگذارترین نهاد قدرت در پاکستان، ارتش این کشور است. ظاهراً نیروهای مسلح و از جمله ارتش طبق قانون اساسی پاکستان حق دخالت در امور سیاسی را ندارند؛ اما نظام سیاسی اجتماعی پاکستان به گونه‌ای است که به اعتقاد کارشناسان و تحلیل‌گران سیاسی، ارتش کلیدی‌ترین نهاد سیاسی آن کشور به شمار می‌رود (امامی، ۱۳۷۸: ۹۳).

به طور کلی قانون اساسی پاکستان، برای ارتش مزایای فوق‌العاده‌ای را در نظر گرفته است که به بسیاری از اقدامات غیر قانونی ارتش وجهه قانونی می‌بخشد. ارتش طی چند دهه گذشته همواره در سیاست پاکستان دخالت و از روش‌های مختلفی برای تحت کنترل داشتن دولت‌هایی که روی کار آمده‌اند، استفاده کرده است.

۴-۱-۲) وجوه احزاب قدرتمند سیاسی

احزاب سیاسی از کانون‌های مهم قدرت در پاکستان به شمار می‌روند. اگر چه پاکستان دارای احزاب متعددی است (حدوداً ۲۰ حزب)، اما نظام حزبی این کشور را در طبقه بندی‌های بین‌المللی باید نوعی نظام دو حزبی به شمار آورد. در واقع محور اصلی احزاب حول دو حزب قدرتمند «مسلم لیگ» و «مردم» متمرکز شده است. حزب «مسلم لیگ»، در متشکل ساختن مسلمانان شبه قاره هند و پاکستان و ایجاد سرزمین جداگانه برای مسلمانان نقش موثری را ایفا نمود و همچنان نقش برجسته‌ای را در معادلات سیاسی و اجتماعی در این کشور ایفا می‌کند (Ahmad, 1963: 136). «حزب مردم»، نیز به نوبه خود دارای نقش‌آفرینی و تأثیر زیادی در جامعه متکثر پاکستان است. «حزب مردم» را ژنرال ضیاءالحق تأسیس نموده است، نقش‌آفرینی علماء و مذهب در این حزب جذبه خاصی به آن داده است. بقیه‌ی احزاب با پایگاه اجتماعی ضعیف و قدرت تأثیرگذاری اندک در حاشیه این دو حزب اصلی مطرح می‌شوند.

با نگاهی به سازمان‌ها و گروه‌های اسلام‌گرا در درون صحنه سیاسی و اجتماعی پاکستان، دو دسته گروه اسلامی قابل تمایز است. دسته اول که می‌توان آن‌ها را احزاب و گروه‌های مذهبی رسمی نامید، اینها معتقد به اصلاح از طریق ساز و کارهای دموکراتیک و قانونی بوده و اهداف و آرمان‌های مورد نظر خود را به شیوه‌های مسالمت‌آمیز دنبال کرده و کمتر به خشونت روی می‌آورند. از احزاب و گروه‌های این دسته می‌توان به «جماعت اسلامی»، «جمعیت علماء اسلامی»، «جمعیت اهل حدیث» و «تحریک جعفریہ» پاکستان اشاره کرد (abas, 2010: 35).

دسته دوم گروه‌های افراط و ستیزه‌جو هستند؛ این گروه‌های تندرو بر خلاف نیروهای مذهبی رسمی، سازوکارهای قانونی و مشارکت در نظام سیاسی را برای اهداف ایدئولوژیک خود مناسب نمی‌دانند و تنها راه، برای رسیدن به آرمان‌های خود را جهاد خشونت‌بار می‌دانند. بعضی از این گروه‌ها در واقع شاخه نظامی و خشونت‌گرای گروه‌های سیاسی-مذهبی رسمی پاکستان می‌باشند. بر اساس اهداف سیاسی و مذهبی این گروه‌ها به اشکال زیراند:

الف- گروه‌هایی که به صورت سنتی بر کشمیر تسلط دارند

در سال‌های اول جهاد در کشمیر (۱۹۹۰-۱۹۹۸م) بیش از ۱۵۰ گروه در صحنه حاضر شدند. برخی از این گروه‌ها با هم متحد شدند و گروه‌های بزرگتری تشکیل دادند (Jamal, 2010: 8). با این حال احزاب عمده این جریان جدید عبارت‌اند از: «حرکه المجاهدین»^۳، «لشکر طیبه»^۴، «جیش محمد»^۵ و «مجاهدین البدر»^۶ اند. طبق برخی آمارها، دو گروه اسلام‌گرای «لشکر طیبه» و «حرکه المجاهدین»، چیزی بیش از ۱۸۰ مدرسه در اختیار دارند که بیش از ۲۶ تا از این مدارس در داخل پاکستان قرار دارد.

ب- گروه‌هایی که به صورت سنتی فرقه‌ای اند

این دسته شامل گروه‌های ضد شیعی؛ «سپاه صحابه»^۷ و «لشکر جنگجوی»^۸ می‌باشد؛ «سپاه صحابه» در هر ۴ ایالت پاکستان رسوخ کرده و به عنوان یکی از قوی‌ترین گروه‌های افراطی پاکستان شناخته می‌شود. این گروه موفق به تأسیس ۵۰۰ دفتر و شعبه در تمام ۳۴ ناحیه‌ی پنجاب گردیده است و حدود ۱۰۰ هزار کارگر استخدامی در پاکستان

³. Harkat ul-Mujahedeen (HUM)

⁴. Lashkar-e-Toiba (LT)

⁵. Jaushe - Mohamad (J M)

⁶. Mojahdin -e- Badr(MB)

^۷. این گروه در بدو امر «انجمن سپاه صحابه» نام داشت و یکی از فرقه‌های سنی مذهب پاکستان است که ادعا می‌شود به طور مستمر، درگیری‌های خشونت‌بار علیه جامعه‌ی شیعی پاکستان را در اولویت کار خود قرار داده است. سپاه صحابه یکی از پنج گروهی است که در ۱۲ ژانویه سال ۲۰۰۲م، به وسیله‌ی پرویز مشرف منحل اعلام شد.

^۸. برخی نیز مدعی هستند که لشکر جنگجوی، به وسیله‌ی رهبران سپاه صحابه، به عنوان یک شاخه‌ی نظامی فعال و جدا از جناح‌های سیاسی تأسیس شد تا به پیشبرد اهداف سیاسی سپاه صحابه از طریق ادامه‌ی اقدامات خشونت‌بار فرقه‌ای، کمک نماید (Jamal, 2012: 5-7).

واکاوی نقش حفره های دولتی پاکستان بر واگرایی ... / ۶۳

دارد. «سپاه صحابه» همچنین ۱۷ شعبه در کشورهای خارجی همچون، امارات متحده عربی، عربستان، بنگلادش، کانادا و انگلستان دایر نموده است (Kamran, 2008: 9). «سپاه صحابه»، شیعیان را مسلمان نمی‌داند و به عنوان واکنشی در قبال انقلاب شیعی ایران تأسیس شده است.

برخی نقل می‌کنند که «لشکر جنگجوی» در سال ۱۹۹۶م. به وسیله‌ی اعضای ارشد سابق «سپاه صحابه»، کسانی که معتقد بودند «سپاه صحابه» از آرمان اولیه ضد شیعی خود دور شده، تأسیس شده است. «لشکر جنگجوی» اهداف خود را بدین شرح اعلام داشته: ایجاد پاکستان سنی مذهب؛ از طریق روش‌های خشونت‌آمیز، ترویج و اعلام نامسلمانی شیعیان و از میان برداشتن پیروان دیگر ادیان به خصوص یهودیان، مسیحیان و هندوه (South Asian Terrorism Portal, 2013).

ج- گروه‌های شبه نظامی ضد دولتی

مهمترین آنها ارتش آزادیبخش بلوچستان است که در تعقیب اهداف سیاسی خود دولت را هدف خشونت قرار می‌دهند (Fair, 2004: 291).

جدول شماره ۱- مهمترین اقدامات تروریستی گروه جهنگوی (۱۹۹۷-۲۰۱۳)

تلفات	مهمترین فعالیت های تروریستی گروه جهنگوی
به قتل رساندن ۴ کارگر آمریکایی.	۱۹۹۷- حمله به کارگران آمریکایی در تأسیسات نفتی بندر کراچی
ناکام ماندن اقدام ترور	۱۹۹۹- اقدام به ترور نواز شریف نخست وزیر و پرویز مشرف، فرمانده وقت ارتش پاکستان
کشته و زخمی شدن ۴۵ نفر.	۲۰۰۲- بمب گذاری در کلیسای پروتستان اسلام
قتل ۱۵ شهروند دیگر ظرف چند دقیقه پس از ترور	۲۰۰۷- اتهام در ترور بی نظیر بوتو، نخست وزیر شیعی مذهب پاکستان در شهر راولپندی.
کشتن ۲۶ نفر از سرنشینان اتوبوس	سپتامبر ۲۰۱۱ - دزدیدن اتوبوس در نزدیکی شهر موستونگ حامل شیعیانی که برای زیارت عازم ایران بودند.
کشته شدن ۵۹ تن از شیعیانی عزادار عاشورا	دسامبر ۲۰۱۱- دست داشتن در انفجار بقعه ابوفاضل در کابل
کشته شدن ۱۳ و زخمی شدن حداقل ۲۰	ژوئن ۲۰۱۲- حمله به زائرین شیعه، بازگشت از مشهد
۱۳۰ کشته و بیش از ۲۶۰ زخمی بر جای گذاشت	ژانویه ۲۰۱۳- بمب گذاری در مناطق شیعه شهر کویت
۸۰ کشته و ۲۰۰ زخمی	فوریه ۲۰۱۳- بمب گذاری در مناطق شیعه نشین هزاره شهر کویت

منبع: محمدی و احمدی، ۱۳۹۴: ۱۸۶

۴-۱-۴) چالشی به نام بنیادگرایی

ریشه بنیادگرایی در پاکستان را باید در برنامه «اسلامی سازی ضیاء الحق» جستجو کرد. ضیاء برخلاف اسلاف حاکم نظامی خود، یعنی؛ «ژنرال ایوب خان» (۱۹۰۷- ۱۹۷۴)

م) و «ژنرال یحیی خان» (۱۹۱۷ - ۱۹۸۰م) که سیاست های سکولار در پیش گرفته و به نیروهای مذهبی چندان اجازه فعالیت در سیاست پاکستان را نداده بودند، تصمیم گرفت تا راه را برای ورود این نیروها به صحنه های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی باز کند. این سیاست ضیاء، «اسلام سازی» نامیده شد و برای اولین بار در تاریخ پاکستان، احزاب با اجرای سیاست اسلامی سازی در یک محیط سیاسی مطلوب عمل می کردند. ژنرال ضیاء برای مقابله با نفوذ احزاب سیاسی و جریان های مخالف و همچنین افزایش مشروعیت حکومت خود حاضر شد به حمایت از جریان های بنیادگرایانه ای محلی بپردازد. بدین منظور با همکاری سعودی ها مدارس مذهبی متعددی را در سراسر پاکستان دایر کرد و دست جریان های بنیادگرا را در بسیاری از امور سیاسی پاکستان بازگذاشت. بنابراین کودتای ضیاء الحق موفق شد چون برای بسیاری از شهروندان نماد یک پاکستان بنیادگرا بود (Arshi, 2009: 9-10).

۴-۱-۵) وضعیت بد اقتصادی

در اواسط دهه ۱۹۶۰م پاکستان یکی از موفق ترین اقتصادها را در جهان در حال توسعه دارا بود. از آن زمان به بعد این کشور بالاترین نرخ رشد صادرات را در جنوب آسیا داشت، با وجود رشد برخی از بخش های مهم اقتصادی این کشور، و دگرگونی های اقتصادی آن، پاکستان به واسطه بی ثباتی سیاسی، اعمال سیاست های نادرست اقتصادی و درگیری مداوم با هند، رشد اقتصادی آن روند قابل قبولی را نسبت به متوسط رشد اقتصادی جهان دنبال نکرد. (محمدی و احمدی، ۱۳۹۴: ۴۲)

بر اساس امارهای جدید در برآورد وضعیت اقتصاد پاکستان، سهم هر کدام از بخش های خدماتی، کشاورزی و صنعتی در تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۰م به ترتیب ۵۳٪، ۲۵٪ و ۲۲٪ بود (Minerals Yearbook, 2010: 1). این مقدار در سال ۲۰۱۱م به میزان ۵۳٪، ۲۶٪ و ۲۱٪ گزارش شده است؛ که تغییر محسوسی در آن دیده نمی شود. عمده ترین تولیدات معدنی پاکستان در سال ۲۰۱۲م سنگ گچ، سنگ فسفات، مگنزیت، نمک دریایی بوده است (Minerals Yearbook, 2012: 3).

حجم تولید ناخالص داخلی پاکستان در سال ۲۰۰۴ میلادی ۳۷۴ میلیارد دلار بوده است که با توجه به جمعیت حدود ۱۸۰ میلیونی این کشور، درآمد سرانه ای پاکستانی ها براساس شاخص قدرت خرید تنها ۲۲۰۰ دلار است (صدری، ۱۳۸۴: ۵).

خصوصی سازی و بهبود زیرساخت ها، موجب افزایش نرخ سرمایه گذاری خارجی شده است و آن را از ۱/۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۴، به دو برابر یعنی به رقم ۲/۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۵ رسانیده است. بر اساس گزارش بانک جهانی، رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) پاکستان در سال ۲۰۰۵ معادل ۷/۸٪ یعنی ۱۱۰/۷ میلیارد دلار بوده است. به علاوه رشد تولید ناخالص داخلی بر مبنای درآمد سرانه در همین سال معادل ۵/۲٪ بوده است (توحیدی، ۱۳۹۱/۵/۲۹).

در سال ۲۰۰۷ میلادی تولید ناخالص داخلی پاکستان بالغ بر ۴۷۵۰۴ میلیارد دلار؛ درآمد سرانه، ۲۲۹۴ دلار؛ حجم صادرات ۲۵۸ میلیارد دلار؛ و حجم واردات این کشور ۷/۲۹۴ میلیارد دلار بوده است. میزان بدهی‌های پاکستان در همین سال ۶۷۰۰ میلیارد روپیه بوده که این میزان تا سال ۲۰۰۹ میلادی به ۱۴۸۰۰ میلیارد روپیه افزایش پیدا کرده است (فارس نیوز، ۱۳۹۲/۵/۱۱). رشد اقتصادی پاکستان در سال ۲۰۱۱م. حدود ۴/۵ درصد بوده است، ولی این رشد در سال ۲۰۱۲م. به ۲/۵٪ کاهش یافت.

جدول شماره ۲- شاخص های اقتصادی پاکستان (۲۰۰۹ - ۲۰۱۲)

سال	شاخص های اقتصادی	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰	۲۰۰۹
	تولید ناخالص داخلی (GDP)	۲۳۱۱۸۷/۹	۲۱۰۷۴۱/۱	۱۷۶۴۷۷/۵	۱۶۱۸۱۹/۰
	رشد تولید ناخالص داخلی	۴/۲	۳/۰	۳/۵	۳/۶
	تورم (درصد)	۹/۷	۱۱/۹	۱۳/۹	۱۳/۶
	بیکاری (درصد)	-	-	-	-
	سرمایه گذاری های خارجی مستقیم (GDP)	۰/۴	۰/۶	۱/۱	۱/۴
	رشد صادرات (درصد)	-۱۳/۴	۲/۴	۱۵/۷	-۳/۳
	رشد واردات (درصد)	۱۰/۰	-۰/۱	۴/۳	-۱۵/۱
	تراز حساب های جاری (\$M)	-۲۰۷۲/۲	-۲۲۳۴/۰	-۱۳۵۴/۰	-۳۹۹۳/۴
	بدهی های عمومی (GDP)	۶۲/۱	۶۰/۳	۶۱/۷	۶۱/۳
	بدهی خارجی (\$M)	-	۶۰۱۸۱/۸	۵۸۴۸۸/۲	۵۶۳۲۸/۶
	کلیه بدهی ها (\$M)	-	۲۹۵۸/۶	۴۳۱۱/۳	۳۴۷۸/۵
	مازاد نقدی و یا کسری (GDP)	-۸/۷	-۶/۵	-۵/۰	-۴/۸
	درآمد مالیاتی (GDP)	۹/۸	۹/۳	۱۰/۰	۹/۳
	مصارف دولت (GDP)	۸/۳	۷/۹	۸/۰	۸/۱
	هزینه های نظامی (GDP)	۰/۳	۳/۱	۳/۳	۳/۲

Sources: TWB; EDI; IMF; WEO; SIPRI & MED, 2013

گزارش‌ها در آخرین بررسی وضعیت اقتصادی پاکستان، در سال ۲۰۱۲م. حاکی از این است که دولت پاکستان با کمبود شدید منابع مالی برای پرداخت حقوق کارمندان دولتی روبرو شده است (Minerals Yearbook, 2012: 2). بخش کشاورزی به عنوان دومین بخش فعال در پاکستان که ۴۳٪ اشتغال در اقتصاد پاکستان را تشکیل می‌دهد در شرایط کنونی با بحران جدی روبرو است. آمارهای ارائه نشان می‌دهد طی ۵ سال گذشته نرخ رشد تولید ناخالص داخلی این کشور برابر با ۶/۹ درصد بوده است (CIA World Fact Book, 2015).

- شاخص چند بعدی فقر^۹

بر اساس داده‌های شاخص چند بعدی فقر پاکستان مربوط به سال ۲۰۰۷ میلادی، در پاکستان ۴۹/۴ درصد مردم از محرومیت چند بعدی رنج می‌برند؛ علاوه بر این ۱۱ درصد

^۹. Multidimensional Poverty Index

مردم در معرض فقر چند بعدی هستند. (HDR Pakistan, 2011: 2)
 همچنین بر اساس آمارهایی که سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ م. منتشر شده است با کمی تغییرات
 ۵۲ درصد مردم از محرومیت چند بعدی برخوردارند، ۱۴/۹ درصد مردم پاکستان نیز
 معرض فقر چند بعدی اند (HDR Pakistan, 2014: 3).

جدول شماره ۳- مقایسه کشورهای شبه قاره هند به لحاظ شاخص چند بعدی فقر

مقیاس کشور	مقدار شاخص چند بعدی فقر	محرومیت چند بعدی	شدت محرومیت	جمعیت در معرض فقر شدن	جمعیتی که در آمد زیر خط فقر دارند
میانمار	۰/۱۵۴	۳۱/۸	۴۸/۳	۱۳/۴	-
هند	۰/۲۸۳	۵۳/۷	۵۲/۷	۱۶/۴	۴۱/۶
بنگلادش	۰/۲۹۴	۵۷/۸	۵۰/۴	۲۱/۲	۴۹/۶
پاکستان	۰/۲۶۴	۴۹/۴	۵۳/۴	۱۱	۲۲/۶
بوتان	۰/۱۱۹	۲۷/۲	۴۳/۹	۱۷/۲	۲۶/۶
نیپال	۰/۳۵۰	۶۴/۷	۵۴	۱۵/۶	۵۵/۱

منبع: ویسیناب و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶۵

- وضعیت توسعه انسانی^{۱۰}

توسعه انسانی دو وجه دارد، یکی ایجاد قابلیت‌های انسانی^{۱۱} مانند: بهبودی در سلامت، دانش و مهارت، و دیگری استفاده افراد از قابلیت‌های کشف شده برای ایجاد فرصت‌ها، مانند فعال بودن در عرصه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است.

فعالیت‌های انسانی نقش مهمی در خروج از رکود و رفتن به سوی رشد انسانی ایفا می‌کنند. (فطرس و ترکمنی، ۱۳۹۰: ۶۲) مقدار شاخص توسعه انسانی (HDI)، پاکستان در سال ۲۰۱۱ م. برابر است ۰/۵۰۴ (گروه کشورهای با توسعه انسانی پایین)، که در میان ۱۸۷ کشور، رتبه ۱۴۵ را به خود اختصاص داده است. بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۱ م. مقدار شاخص توسعه انسانی برای پاکستان از ۰/۳۹۵ به ۰/۵۰۴ افزایش پیدا کرده است. این نشان می‌دهد که پاکستان سالانه افزایش ۱/۱٪ که در مجموع ۴۱٪ رشد داشته است (HDR Pakistan, 2011: 2).

¹⁰ Human Development report

¹¹ Human Capabilities

جدول شماره ۲- مقایسه کشورهای شبه قاره به لحاظ شاخص توسعه انسانی (HDI)

کشور	امید به زندگی در بدو تولد	طول دوره مورد انتظار برای تحصیل کودکان در سن ورود به مدرسه	متوسط دوره ای که صرف آموزش می شود (بزرگ سالان ۲۵ سال به بالا)	سرانه در امد ناخالص ملی	مقدار شاخص توسعه انسانی (HDI)	رتبه جهانی
هند	۶۵/۴	۱۰/۳	۴/۴	۳۴۶۸	۰/۵۴۷	۱۳۴
پاکستان	۶۵/۴	۶/۹	۴/۹	۲۵۵۰	۰/۵۰۴	۱۴۵
نیپال	۶۸/۸	۸/۸	۳/۲	۱۱۶۰	۰/۴۵۸	۱۵۷
میانمار	۶۵/۲	۹/۲	۴	۱۵۳۵	۰/۴۸۳	۱۴۹
بنگلادش	۶۸/۹	۸/۱	۴/۸	۱۵۲۹	۰/۵۰۰	۱۴۶
بوتان	۶۷/۲	۱۱	۲/۳	۵۲۹۳	۰/۵۲۲	۱۴۱

منبع: ویسی ناب و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶۲

۴-۱-۶ خسارات ناشی از بلایای طبیعی

پاکستان کشوری است سیل‌خیز که تا حالا سیل خسارات اقتصادی و انسانی زیادی را بر این کشور وارد کرده است. اجمالاً با توجه به شرایط اقلیمی خاص (در اثر باران‌های موسمی ویرانگر) وضعیت اقتصادی پاکستان، همواره از این حیث متأثر است. به عنوان نمونه در سیل ۲۰۱۰م. بیش از ۱۰ هزار مدرسه و ۵۰۰ بیمارستان از بین رفت. بیش از ۷۰٪ پل‌ها و جاده‌های روستایی تخریب شدند.

نخست وزیر پاکستان ضمن هشدار نسبت به وضعیت اقتصادی پاکستان اعلام کرد میزان زیان و ضرر سیل سال ۲۰۱۰ به اقتصاد این کشور بیش از ۴۳ میلیارد دلار بوده است. (Kronstadt and others, 2010: 12-13). بر اثر این سیل حدود یک پنجم زمین‌های کشاورزی به زیر آب رفت، حدود یک میلیون خانه ویران شد و یک دهم جمعیت پاکستان (حدود ۲۰ میلیون) در شرایط بدی به سر می‌برند. در حال که هنوز ۸۰۰ هزار خانوار سرپناه مناسبی ندارند، با وقوع این سیل ویرانگر چون اقتصاد پاکستان و ابسته به کشاورزی بود، با نابود شدن بسیاری از محصولات کشاورزی و دامی، قیمت محصولات کشاورزی و دام به بیش از سه برابر رسید، ترم از ۹/۲٪ به ۱۱/۲٪ رسید و تولید ناخالص ملی با روند کاهشی از ۴/۱٪ به ۳/۲٪ رسید. همچنین که بسیاری از جاده ها، خطوط راه آهن و شبکه های ارتباطی از بین رفت. (Georges and Rakistis, 2012: 140).

۴-۲) برآیند تأثیرگذاری حفره های دولتی پاکستان بر تهدیدات قومی (بلوچ‌ها) در

ایران

فضای جغرافیایی سیاسی ایران به سبب آنکه مکمل راهبرد های جغرافیایی سیاسی کشورها و قدرت‌های پیرامونی است، تهدیداتی چون اقدامات تروریستی، قاچاق تسلیحات و مواد مخدر، ورود کالاهای ممنوعه، ناامنی نواحی مرزی و حمله به پاسگاه های مرزبانی و

غیره در کنار تحركات قومي - مذهبي به ويژه پس از جنگ افغانستان، امنيت مرزهاي جنوب شرقي و شرق ايران را بيش از بيش به مخاطره انداخته است.

بي‌ثباتي كشورهاي همجوار ايران (پاكستان و افغانستان)، با عث چالش‌هاي راهبردي در جنوب شرق كشور شده است. همچنين، عدم رشد فرايند دمكراسي و ناپايداري حكومت‌هاي پيراموني و گسترش اقتدار قومي آنها در مرزهاي شرقي و جنوب شرقي بر آسيب پذيري مرزهاي جغرافيايي و امنيتي ايران در اين منطقه افزوده است (احمدی پور و ديگران، ۱۳۹۰: ۴۰). اينگونه ارزيابي شده است كه مرزهاي شرقي ايران در همسايگي كشور و دولت‌هاي ضعيف و بي‌ثبات، پاكستان و افغانستان همواره دچار تنش و بحران بوده و هست (اخباری و نامی، ۱۳۸۹: ۱۷۸).

۴-۲-۱) نگاهی اجمالی به پیشینه تهدیدات واگرایانه قومی بلوچ در ایران به تبع از تحركات بلوچ‌های پاكستان

تنش‌هاي منطقه‌اي عموماً در آن دسته از واحدهاي سياسي صورت مي‌گيرد كه هنوز هويت ملي نتوانسته جايگزين هويت‌هاي منطقه‌اي يا محلي شود. واحدهاي سياسي كه از چنين ويژگي برخوردارند عمدتاً روند تكاملي ملت‌سازي را طي نكرده‌اند. آنها يا توسط يك رهبر مقتدر تشكيل شده‌اند و يا بر اثر سياست‌هاي استعمارگران شكل گرفته‌اند. اين كشورها مفهوم ساختگي دولت - ملت را دارند اما چون تلاش براي ايجاد يك ساختار جديد از حاكميت توسط احاد ملت، انجام نكرفته است؛ ملت‌ها چنانچه از يك هويت قومي يا زباني يا ديني قوي برخوردار باشند نسبت به دولت مركزي واگرابي دارند، و خود را برخوردار از يك هويتي محلي مي‌دانند كه مايلند اين هويت را در نزد ساير ملل مطرح كنند.

عوامل ديگري نيز در تقويت هويت محلي تأثيرگذارند كه از آن جمله مي‌توان به مرزهاي بين‌المللي اشاره كرد. (ميرحيدر، ۱۳۷۱: ۱۳۵). اينگونه مرزها عمدتاً بر اساس سياست‌هاي قدرت‌هاي جهاني به ويژه در اواخر دوران استعمار و اوایل قرن بيستم شكل گرفته است. توسط اين مرزها در بعضي مناطق يك گروه قومي به دو يا سه پاره تقسيم شدند و هر قسمت تحت حاكميت يك دولت درآمد. بدین ترتیب هويت قومی آنها که با گستره سرزمین مسكوني‌شان انطباق داشت بكلی مورد چالش دولت‌هاي جديدي قرار گرفت كه بر آنها حاكم شده بودند. بدین ترتیب واگرابي‌هاي منطقه‌اي شكل مي‌گيرد. اين واگرابي‌هاي منطقه‌اي است كه اگر عمق آن به جنگ‌هاي داخلي بگشود از نظر مك كول^{۱۲} عنوان «جنبش‌هاي جدائي طلبانه» مي‌گيرد (موير، ۱۳۷۹: ۲۹۹).

بلوچستان يكي مناطق واگراي سنتي ايران است، كه هم‌اكنون نيز قابليت واگرابي خود را حفظ کرده است. بلوچستان از گذشته، جايی بود- كه مورد طمع روس‌ها براي دسترسي به آب‌هاي آزاد و مورد توجه انگليس‌ها به منظور راهبردي به شبه قاره هند

قلمداد می‌شد. جریان انتقال خط تلگراف انگلیس به هندوستان و دست زدن به تصرفاتی در بندر گوادر توسط آن کشور که به از دست دادن دو محل گج و گوادر توسط ناصرالدین شاه تمام شد و بدین ترتیب قسمتی از خاک ایران جدا گردید، منجر به تعیین بخشی از مرز میان شبه قاره هند با ایران از چهارم سپتامبر ۱۸۷۱ شد (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۸۵: ۹). تجاوزات گاه به گاه دست نشانندگان انگلیس در هندوستان به خاک ایران چون تصرف ناحیه ماشکید کناربسته، کوهک، اسفندک و میرجاوه چالش‌های دائمی انگلیس در سرحدات شرقی ایران بود. گرچه غائله‌ی تجاوزات دائمی انگلیس‌ها به ایران با تشکیل کشور پاکستان در سال ۱۹۴۷ به حداقل رسید و بالاخره در سال ۱۹۵۹ مرز میان دو کشور تعیین شد. اما از آنجا که از بدو آزادی پاکستان اکثریت مردم بلوچ پاکستان خواهان تشکیل یک کشور مستقل به نام «بلوچستان بزرگ» شدند. نگرانی دولت مرکزی ایران نسبت به احتمال واگرایی مردم بلوچستان شدت گرفت.

از این سو، رؤسای طوایف بلوچ که می‌ترسیدند با ظهور یک دولت قومی در پاکستان، خود مختاری خویش را از دست بدهند، حزب دیگری به نام «اوستمال گال» (حزب مردم) تشکیل دادند و پرنس کریم، برادر خان کلات را به ریاست آن انتخاب کردند. حزب پرچم سه ستاره داشت؛ که بیانگر بلوچ‌های پاکستان، افغانستان و ایران بود.

روشنفکران بلوچ در پاکستان و بعدها در ایران، با کسب حمایت نخبگان سیاسی و طایفه‌ای، برای ایجاد تصویر ملی بلوچ، فعالانه به خلق ادبیات مربوط دست زدند. آنها از طریق تفسیر و باز تفسیر متون باستان، آثار شرق شناسان غربی، آثار کلاسیک اسلامی و فارسی، ادبیات بومی و ریشه‌های نژادی، میراث فرهنگی مشخص، سنت مقاومت ملی و تداوم تاریخی و سیاسی خود را بازشناسی و کشف کردند.

آزادیخواهان بلوچستان پاکستان با ایجاد حزب در جهت استقلال این منطقه با دولت مرکزی خود نزاع می‌کردند و تا به قدرت رسیدن ژنرال ایوب‌خان در پاکستان، این منازعات ادامه یافت. مبارزات پیگیر ارتش ایوب‌خان در بلوچستان منجر به دستگیری و اعدام استقلال طلبان بلوچ شد. حتی سرکوبی بلوچ‌ها، بویژه توسط پنجابی‌ها که بخش عمده‌ای از ارتش پاکستان را تشکیل می‌دادند، صورت می‌گرفت. این مسئله تا آنجا پیش رفت که موجب بمباران منطقه گرمک و چند پایگاه چریکی بلوچ‌ها شد. در مقابل اتحاد بلوچ‌ها با بنگال‌ها در انتخابات، منجر به جدایی بخش شرقی پاکستان از بدنه اصلی آن شد و خشم دولت مرکزی پاکستان را نسبت به بلوچ‌ها شدت بخشید. با روی کار آمدن ذوالفقار علی بوتو، حکومت ایالتی بلوچستان به فردی بنام غوث بخش بیزنجو واگذار شد که تصمیم به تشکیل دولت مستقل بلوچستان را داشتند دولت ایران با آگاهی از چنین تصمیمی از بوتو درخواست کرد تا حکومت ایالت بلوچستان غیرقانونی اعلام شود. با غیرقانونی اعلام کردن حکومت بیزنجو توسط بوتو، آن هم پس از سفر بیزنجو به تهران، ستیز میان طرفداران وی با ارتش پاکستان ادامه یافت. با یک تاکتیک توسط دولت مرکزی پاکستان، میان بلوچ‌ها که دشمنی دیرینه با پشتون‌ها داشتند ایجاد اختلاف شد و در نهان به حمایت از پشتون‌ها در مقابل بلوچ‌ها، هم‌جهت نزاع بلوچ‌ها را که هدف آنها استقلال بلوچستان بود تغییر داد و هم قوای آنان را تضعیف کرد.

خرید اسلحه از شوروی توسط بلوچ‌ها، تشکیل سازمان زیرزمینی بی.ال.اف که در آن به آموزش چریکی می‌پرداختند و سازمان دانشجویی بی.اس.او سبب شد تا دوباره نگرانی حاکمیت ایران نسبت به واگرایی بلوچ‌ها تشدید شود. اما از آنجا که شهر کویته و سایر مراکز پشتون‌نشین هدف بلوچ‌ها بود، غارت و کشتار توسط آنها متوجه پشتون‌ها بود و تا آنجا پیش رفت که در کویته حکومت نظامی توسط حکومت ایالتی بلوچستان اعلام شد. به هر حال دکترین شوروی که سعی می‌کرد پیوسته فضای سیاسی را ناآرام و ناپایدار نگه دارد در منطقه بلوچستان پاکستان اجرا و گاه دامنه آن به نواحی مرزی ایران نیز کشیده می‌شد (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۶۸: ۱۸)؛ که این امر خطر واگرایی را به مراتب افزایش می‌داد. مهمترین تاکتیک شاه در آن زمان برای جلوگیری دامنه مناقشات بلوچ و غیربلوچ به ناحیه بلوچستان ایران، محروم نگه داشتن همه‌جانبه آن خطه بود. این رشد نیافتگی به ویژه در زمینه دانش از یک طرف و کنترل و مراقبت توسط جاسوسان و ارتشیان از طرف دیگر همراه با تشدید اختلافات میان قبیله‌ای، اهرم کنترل وقوع جنبش‌های استقلال-طلبانه در این منطقه شد. مناطق دیگری چون آذربایجان، خوزستان و بخش‌های ترکمن-نشین از جمله مناطقی بودند که زمینه رشد جنبش‌های واگرایانه و «مرکزگیزانه» (Hartshorn, 1950: 95-130)؛ در آنجا وجود داشت.

۴-۲-۲) تهدیدات دولت محور کشور پاکستان

یکی از جنبه‌های مهم تهدید از جانب کشور پاکستان، حمایت گسترده ارتش و آی.اس.آی، این کشور از رادیکالیسم و گروه‌های افراطی در منطق بر خورد با همسایگان نظیر، هند، ایران و افغانستان است. قابل ذکر است که پیشینه حمایت دولت از جریان‌های بنیادگرا به سیاست ژنرال ضیاء الحق بر می‌گردد. ژنرال ضیاء الحق با کمک سرویس امنیتی پاکستان (آی.اس.آی) در اواسط دهه ۱۹۸۰م. از طریق حمایت رسمی دولت از تأسیس مدارس مذهبی افراطی و تصویب و اجرای قوانین شریعت در سطح منطقه‌ای به صورت گسترده حمایت بعمل آورد. بدین منظور با همکاری سعودی‌ها مدارس مذهبی متعددی را در سراسر پاکستان دایر کرد (Hussian, 2007: 91). بنابراین از آن تاریخ تا حالا افراطی‌گری با حمایت دولتی در پاکستان افزایش چشم‌گیری داشته است. همان‌طور که پاکستان از گروه‌های تندروی کشمیری در هند نظیر: «حرکه المجاهدین»، «لشکر طیبه»، «جیش محمد» و «مجاهدین البدر»، دفاع می‌کند، در افغانستان نیز از طالبان به اشکال خاص حمایت بعمل می‌آورد. بعنوان مثال لشکر طیبه با حمایت سازمان اطلاعاتی پاکستان، در سال ۲۰۰۸م. در شهر بمبئی اقدام به بمب گذاری کرد که منجر به کشته شدن ۱۶۴ تن و مجروح شدن بیش از ۳۰۰ تن گردید. همچنین هدف گرفتن کدسولگری هند با خودروی مملو از مواد منفجره در سال ۲۰۰۹م. ۷۵ تن کشته برجا گذاشت (Dalrymple, 2013).

بعضی تحلیلگران معتقدند که عناصر طالبان و آی.اس.آی، با یکدیگر همکاری دارند و فعالیت‌هایشان جدا از هم نیست. گزارش‌ها نشان می‌دهد در اواسط سال ۲۰۰۸م. ایالات

متحدہ مدارک موثقی مبنی بر همکاری با طالبان در سطح مقامات عالی رتبه پاکستان جمع آوری کرده است. در واقع سرویس جاسوسی ایالات متحده معتقد است آی.اس.آی، از اشخاصی نظیر جلال الدین حقانی، سرکرده گروه حقانی، به عنوان یک دارایی راهبردی بهره برداری می‌کند (Johnson and Mason, 2008). افسران عالی رتبه‌ی بازنشسته‌ی آی.اس.آی و ارتش پاکستان سعی کردند همواره رابطه‌ی گرم خود با ستیزه جویان اسلام‌گرا را حفظ کنند، از جمله می‌توان ژنرال حمید گل را نام برد که بین سال‌های ۱۹۸۷ تا ۱۹۸۹م. فرماندهی کل آی.اس.آی بود. او نقشی به مراتب مهم در بسیج حمایت همگانی از طالبان در رسانه‌ها داشت و ستیزه جویان را برای جهاد (جنگ مقدس) تشویق می‌کرد (Rashid, 2008: 222).

اخیراً یک مورد سوم دیگری نیز پیش آمده که شاید بتوان آن را در رابطه با ایران تحلیل کرد و آن این است که یک بخشی از جامعه بلوچ پاکستان در ایالت بلوچستان معتقدند دولت پاکستان قراردادی را که در زمان استقلال پاکستان بین دو کشور امضا شده بود، نقض کرده، بنابراین آنها حق دارند برای استقلال در برابر پاکستان دست به مقاومت بزنند. به نظر می‌آید ارتش پاکستان برای خدثی کردن تفکر قومی جدایی‌طلب در ایالت بلوچستان به تقویت نیروهای رادیکال اسلامی روی آورده است. به همین خاطر این بحث وجود دارد که گروه‌هایی مانند «جیش‌العدل» که علیه ایران دست به اعمال تروریستی می‌زدند، به نوعی نیز در راهبرد پاکستان قرار دارند. به این ترتیب ایران نیز تحت تأثیر این استراتژی پاکستان قرار می‌گیرد. تروریست‌های «سپاه صحابه» نیز از حمایت «سرویس اطلاعات داخلی پاکستان» برخوردارند و به طور مستقیم یا غیر مستقیم از سوی کشورهای خارجی مثل عربستان سعودی و بحرین پشتیبانی می‌شوند. چنانچه یک تحلیل گر پاکستانی می‌گوید: برای دولت پاکستان، «ملک اسحاق رهبر لشکر جهنگوی» به عنوان طالبان خوب طبقه بندی می‌شود (ملازهی، ۲۳ / ۱۱ / ۱۳۹۲).

ازینرو دامنه اقدامات این گروه‌های تروریستی نیز ممکن است به خاک ایران کشیده شود. چنانچه سازمان‌های ضد شیعی مانند «لشکر جنگ‌پوی»، در سیستان بلوچستان از گروه‌های رادیکال و تندرو حمایت می‌کنند. که تا حدود زیادی به تبع هم آمیختگی دو عنصر قومیت و مذهب در منطقه سیستان و بلوچستان است. عنوان مثال در مورد گروه‌های تروریستی شرق کشور، گروهک «جندالله»، و یا به شکل جدیدتری گروهک‌های تروریستی نظیر: «انصار» و «جنبش عدل» نیز بر مبنای همین دو عنصر (قومی و مذهبی) نوعی یکسان‌انگاری مذهبی و قومیتی دیده می‌شود (غفوری و داوند، ۱۳۹۳: ۱۰۰).

لذا از نظر مذهبی با شکل‌گیری ارتباط این گروه‌ها با برخی از علمای تندرو در پاکستان شرایط واگرایی و مرکز‌گریزی مهیا می‌شود. بنابراین همه این نگرانی‌ها از جانب دولت‌های بی‌ثبات در پاکستان و گروه‌های بی‌شمار افراطی این کشور در همسایگی ایران (مرزهای شرقی) قابل درک است.

۴-۲-۳) تأثیر هویت خواهی قومی و احساس قرابت بلوچ های ایران نسبت به همتایان خود در
ورای مرزها (بلوچستان پاکستان)

شرایط موجود و نوع الگوی استقرار قوم بلوچ در جنوب شرقی ایران با نیمه دیگر هسته بلوچ نشین در پاکستان و افغانستان، موجب شده قوم بلوچ ایرانی با همتایان خود در آن سوی مرز بسیار بیشتر از حکومت مرکزی و فارسی زبانان ایرانی ارتباط داشته باشند. در آمارگیری نمونه‌ای که در سال ۱۳۶۵ در چابهار، پیشین، قصر هند و سراوان انجام شد، مشخص شده است که شمار بلوچ‌های ایرانی که به پاکستان مسافرت کرده‌اند ۱۶ برابر کسانی بوده که به تهران سفر کرده و ۴ برابر افرادی بوده که به زاهدان رفته‌اند (پاپلی یزدی، ۱۳۶۸: ۱۶). همچنین در نمونه‌گیری دیگری که طی سال ۱۳۷۰ در نواحی شهری بلوچستان انجام شده بود، از ۲۳۰۰ پرسش‌شونده بلوچ، تنها ۷٪ آنها به تهران سفر کرده بودند، در حالی که تعداد سفرهای همین افراد به پیدشاور و کویته ۴۳ و ۵۸٪ بوده است (همان: ۱۷). در این بین - نکته مهم تأثیر گذاری ایالت بلوچستان پاکستان (به ویژه بخش سرحد آن)، بر استان سیستان و بلوچستان ایران است، که بر آینده و در نتیجه، بر تمامیت ارضی و وحدت ملی ایران تأثیر خواهد گذاشت. هر دگرگونی که منجر به تضعیف حکومت فدرال در پاکستان و سدست شدن همگرایی بلوچ‌ها و اسلام‌آباد شود، نیروی گریز از مرکز بلوچ‌های استان سیستان و بلوچستان را در بخش سرحد افزایش خواهد داد. همچنین استقرار و تثبیت یک نظام بنیادگرایی حذفی در هر دو کشور پاکستان و افغانستان تأثیر ویران‌کننده‌ای بر قلمروهای بلوچ‌نشین ایران بر جای می‌دهد و اگرایی آن‌ها را به حداکثر خواهد رساند (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۶۳). این مهم می‌تواند مدخلی باشد بر تضعیف هویت و امنیت ملی باشد.

۴-۲-۴) ظهور رادیکالیسم و افراطی‌گری مذهبی

بلوچ‌های ایران بیشتر در استان سیستان و بلوچستان مستقر شدند. بیشتر مردم این قوم سنی مذهب هستند. شکاف‌های قومی و مذهبی و همجواری بلوچ‌های ایران با بلوچ‌های افغانستان و پاکستان تأثیر محسوس در ظهور گرایش‌های سیاسی از نوع تمرکزگرایان افوام بلوچ بر جای گذاشته است (نقیب‌السادات و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۱). باید اضافه کرد که عوامل مذهب و زبانی و بافت ویژه اجتماعی؛ شاید برای جامعه بلوچ از جمله طبقه روشنفکر مذهبی (ملاها و مولوی‌ها)، پذیرش حکومت لائیک آسان‌تر و راحت‌تر از پذیرش حکومت شیعی است (کریمی‌پور و محمدی، ۱۳۸۷: ۷۲).

بسیاری از رهبران مذهبی بلوچ در خارج از کشور در کشورهای عربستان، پاکستان و هند تحصیل می‌کنند یا از اندیشه‌های حاکم بر فضای حوزه‌های علمی آنها متأثر می‌شوند. بازگشت این مولوی‌ها با توجه به اندوخته‌های علمی در کشوری که تحصیل کرده‌اند و نیز علمای مدعو پاکستانی برای آموزش علوم دینی در بلوچستان ایران، مناسب‌ترین پوشش برای فعالیت و هابیان است. اثر این تبلیغ‌های سازمان‌یافته برای امدیت ملی ایران خطر آفرین است و علاوه بر تقویت انرژی و اگرایی این مناطق نسبت به هسته

مرکزی حکومت، موجب افزایش همگرایی‌های اهل تسنن ساحل جنوب و بلوچ‌های حذقی خاور و جنوب خاوری ایران شده است. (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۸۲) تبلیغ و هابیون مبتنی بر اینکه جمهوری اسلامی ایران یک نظام شیعی است و نه یک حکومت اسلامی، باعث شده که اشرار محلی به راحتی در قالب مذهب علیه نیروهای دولتی عمل کنند (قالیباف، ۱۳۷۵: ۱۲۶).

در باره فعال شدن گروه‌های افراطی در استان و تأثیر فعالیت آنها، سید محمود حسینی می‌گوید: «بعد از دولت اصلاحات که شکاف اجتماعی بیشتر شد، شمار مدارس علوم دینی در حوزه‌های روستایی بسیار افزایش یافته است، بویژه با امکانات قابل توجهی که برای آنها تدارک دیده‌اند. اکنون نسل پذیرنده‌ی طلاب تغییر کرده است و این مدارس طلبه‌ها را از کلاس اول ابتدایی می‌پذیرند؛ یعنی از نخستین گام‌های اجتماعی شدن رسمی، بچه‌ها تحت تعلیم خاص مذهبی قرار می‌گیرند. اگر متغیر تکفیری به هر دلیلی فعال شود، می‌تواند تأثیر عمیقی بر وضعیت استان و عقب‌ماندگی آن بگذارد» (حسینی، ۱۳۹۴: ۳۰-۳۳).

نکته دیگری که باید به آن توجه شود پیوندهای قومی و قبیله‌ای پشتون‌ها و بلوچ‌ها و پیروی آن‌ها از سلفی‌گری مورد حمایت طالبان و القاعده در مثلث طلایی است که ممکن است تهدیداتی جدی علیه مرزهای مشترک ایران پدید آورد. در این میان، خیزش‌های جدایی‌طلبانه و مسلحانه قومی، حملات ایذایی چریکی و به سبک و روش جنگ‌های جهادی از جمله تهدیدهای خطرناک علیه امنیت قومی استان‌های مجاور مرزهای شرقی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. همچنین، نفوذ عوامل القاعده در جنبش‌های قومی بلوچ ممکن است به تبنای گروه‌های تروریستی، شبکه‌های جنایی سازمان‌یافته، احزاب ناسیونالیستی افراطی، بنیادگرایی دینی و غیره بینجامد و به تدریج جبهه‌های سیاسی - نظامی برای جمهوری اسلامی ایران در استان‌های مجاور شرقی باز کند. در جایی شیرین هانتر می‌گوید: «جندالله ... که مسئولیت کشته شدن صدها تن از شهروندان غیرنظامی و نیروهای سپاه پاسداران ایران را بر عهده دارند، نیز وابسته به گروه‌های افراطگرای پاکستانی و شاید حتی سرویس‌های اطلاعاتی (ISI) پاکستان هستند» (Hunter, 2014).

همچنین که - ظهور دولت اسلامی شام و عراق (داعش) به ریاست البغدادی نیز بعد جدیدی از نگرانی‌ها است. پیوند داعش با گروه‌های سنتز مگو در پاکستان، و پیوستن برخی از رهبران طالبان به این گروه تروریستی عواقب خطرناکی برای منطقه به همراه دارد. گزارش‌ها و نقاشی‌های روی دیوارهای شهرهای پاکستان، از جمله لاهور، راولپندی، کراچی و پیشاور و دیگر شهرهای این کشور نشان‌دهنده علاقه‌مندی بسیاری از گروه‌های اسلامی پاکستان به داعش است (Shah, November 11, 2014)؛ چنانچه در ایالات بلوچستان، داعش مورد حمایت گروه‌هایی نظیر بقایای جندالله قرار گرفته. مرکز داعش در پاکستان در ایالت بلوچستان قرار دارد و حافظ سعید خان فرماندهی شبه نظامیان داعش در این ایالت را به عهده دارد. همچنین در مناطق قبایلی، نظیر خیبر - پختونخوا از

استخدام بیش از ۱۲۰۰۰ نفر در داعش خبر داده شده است. (Pakistan Today, (November 8, 2014).

مهمترین حوادث تروریستی در مناطق مرزی ایران و پاکستان از سال (۱۳۸۴ - ۱۳۹۳)

حوادث	تاریخ	نتایج
شهادت محافظ رئیس جمهور در خاش	۱۳۸۴/۹/۲۳	شهادت محافظ رئیس جمهور
حمله به پاسگاه مرزی گذار ناهور سراوان	۱۳۸۴/۱۰/۱۲	گروگان هشت مرزبان و شهادت رئیس پاسگاه
اسارت ۳ تبعه ترکیه	۱۳۸۴/۱۰/۲۵	درخواست پرداخت ۱ میلیون دلار از جانب ایران
حادثه تاسوکی	۱۳۸۴/۱۲/۲۵	قتل ۲۲ تن از مسافران. قتل ۴ مامور پلیس
حمله به ماموران نیروی انتظامی	۱۳۸۵/۱۱/۱۲	قتل ۴ مامور پلیس و یک شهروند
حمله به اتوبوس سپاه پاسداران	۱۳۸۵/۱۱/۲۵	شهادت ۱۳ نفر و زخمی شدن ۳۰ تن از سپاه و مردم
انفجار بمب صوتی	۱۳۸۵/۱۱/۲۷	بدون تلفات
حمله به پاسگاه مرزی نگور	۱۳۸۵/۱۲/۸	قتل ۲ مامور مرزبانی و اسارت ۴ نفر
شبیخون به جمعی از پاسداران	۱۳۸۶/۴/۲۸	شهادت ۹ مأمور سپاه و زخمی شدن ۱۱ تن
حمله به خودروهای عبوری	۱۳۸۶/۵/۲۸	گروگانگیری ۲۱ غیرنظامی و انتقال آنها به پاکستان
ترور مهدی توکلی (روحانی شیعه)	۱۳۸۶/۷/۱۰	به شهادت رساندن وی
ترور ابراهیم کریمی (معاون دادگستری)	۱۳۸۷/۳/۲۷	به شهادت رساندن وی
حمله به صبحگاه نیروی انتظامی سراوان	۱۳۸۷/۱۰/۹	به شهادت رساندن ۴ نفر و زخمی شدن ۱۲ نفر
حمله به وانت نیروهای نظامی	۱۳۸۷/۱۱/۶	کشتن مامورین راکب وانت
حمله انتحاری به مسجد شیعیان زاهدان	۱۳۸۷/۳/۷	شهادت ۲۵ نمازگزار و زخمی شدن ۱۲۰ تن
حمله به ستاد احمدی نژاد در زاهدان	۱۳۸۸/۳/۸	مجروح کردن ۳ نفر از اعضای ستاد
حمله به نمایشگاه صنایع دستی در سرباز	۱۳۸۸/۷/۲۶	شهادت ۴۱ نفر و زخمی شدن ۱۵۰ نفر
حمله انتحاری به مسجد جامع زاهدان	۱۳۸۸/۴/۲۴	شهادت ۲۷ نفر و زخمی شدن ۱۶۹ نفر دیگر
بمبگذاری در مراسم تاسوعا در چابهار	۱۳۸۹/۹/۲۴	شهادت ۳۹ نفر
ترور امام جمعه اهل سنت راسک	۱۳۹۰/۹/۳۰	شهادت وی
حمله به پاسگاه مرزی سراوان	۱۳۹۲/۸/۳	۱۷ شهید و ۵ مجروح
حمله به پاسگاه مرزی	۱۳۹۲/۹/۱۱	یک شهید و سه مجروح
گروگانگیری ۵ مرزبان	۱۳۹۲/۱۱/۱۷	آزاد شدن آنها
حمله به خودروی نیروی انتظامی در سراوان	۱۳۹۳/۷/۱۷	شهادت سه تن

منبع: (پیشگامی فرد و میرزاده کوهشاهی، ۱۳۹۰: ۱۳۰)

۴-۲-۵) بروز چالش‌های مرزی و روی آوری ساکنین مرزنشین به افعال غیر مرسوم

وجود ۹۸۰ کیلومتر مرز مشترک بین جمهوری اسلامی ایران و پاکستان و وجود بافت حاکم عشیره‌ای و قومی یکسان در دو طرف مرز و مشکلات کشور همسایه از قبیل عدم نظارت کافی بر مرز و محدودیت زمینه فعالیت‌های کشاورزی و صنعتی و همچنین کمبود زیرساخت‌های اقتصادی و عدم توسعه در این منطقه، وضعیت نامتعادل و نابرابر اقتصادی و فرهنگی، فقدان نظام برنامه ریزی و تصمیم‌گیری هماهنگ و کارآمد در این

خطه در سال های اخیر تبعات گوناگونی از جمله روی آوری احتمالی به مبادلات غیررسمی بخش وسیعی از اشتغال مالی را تأمین و قاچاق کالا و مواد مخدر و تردد های غیر مجاز و... را به دنبال داشته است.

پاکستان به عنوان جولانگاه قاچاقچیان حرفه ای و بین المللی شناخته می شود، و وجود مناطق قبایلی خود مختار و خاکستری مانند: خیبر، سرحد و مند؛ باعث شده تا لایراتوارهای متعددی برای تولید و تبدیل مواد مخدر در این کشور فعال است. همچنین افغانستان در همسایگی ایران و پاکستان بیش از ۹۵٪ تریاک دنیا را کشت می کند، پاکستان پس از ایران (۵۵٪) با ۳۰٪، مسیر بعدی انتقال مواد مخدر هستند (Neill, 2009). (4) نبود شغل و عدم برخورداری از معیشت کافی باعث شده است که تعدادی از مردم سیستان و بلوچستان قاچاق (مواد مخدر و کالا) را برگزینند. این امر موجب عبور و مرور غیر مجاز مرزی می شود و کارکرهای امنیتی مرز را نادیده می گیرد که خود پیامدهای امنیتی متعددی را برای حکومت در بر دارد. در این میان امکان سوء استفاده دشمنان از مردم مرز نشین بلوچ و به کارگیری افرادی از آنها در عملیات خرابکارانه در پوشش گوناگون همچنین عبور اسلحه را در بسیاری از مناطق مرزی این ناحیه از کشور را افزایش می دهد (ایزدی و دبیری، ۱۳۹۲: ۱۱۳).

غیر از این، بنا بر موقعیت مرزی استان، حضور تعداد زیادی از اتباع خارجی به ویژه اتباع افغانستان و پاکستان به واسطه تردد های غیر قانونی و غیره به مثابه تهدیدی برای استان و کشور ایران محسوب می شود. بنا بر آمارهای مربوط به سرشماری ۱۳۸۵ از مجموع ۲۴۰۵۷۴۲ نفر جمعیت سرشماری شده استان حدود ۱۲۳۲۹ نفر دارای تابعیت افغانی و ۴۵۷۹ تابعیت پاکستانی داشته اند (هوشمند، ۱۳۹۰: ۳۲). تا حالا کلکسیونری از پروژها و طرح های انسدادی از احداث کانال، خاکریز، سیم خاردار گرفته تا احداث پاسگاه، برجک، راه و دیوار بتنی و غیره در مرزهای شرقی به نمایش درآمده است، ولی عملاً اثربخشی مطلوبی نداشته اند. روی آوری احتمالی به مبادلات غیررسمی، قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان و تردهای غیر قانونی اتباع پاکستانی و افغانی، قاچاق سوخت و کالا، فعالیت های گروه های تروریستی و اشرار، سبب ناامنی در مرزهای شرق ایران شده است؛ به طور که مسائل یاد شده همواره از مشکلات و دغدغه های مرزبانان، نیروهای امنیتی، مسئولان سیاسی و امنیتی محلی و ملی و ساکنان مناطق مرزی بوده اند (پیشگاهی فرد و میرزاده کوشاهی، ۱۳۹۰: ۱۰۹).

۵) نتیجه گیری

به هر حال وضعیت موجود پاکستان نشان از این دارد این کشور هیچگاه تجربه ای از ثبات نسبی را حتی در برهه کوتاهی نداشته است. پاکستان به عنوان یک کشور آشوب زده همواره با چالش های امنیتی زیادی مواجهه بوده است که این مهم بیشتر ریشه در تاریخ ۶۶ ساله این کشور دارد. کشور پاکستان طی هفت دهه از عمر واقعی آن مجالی پیدا نکرد تا بتواند بر مشکلات خارجی با همسایگانش و به تبع با مشکلات جدی داخلی اش فائق آید.

درگیری‌های مداوم با هند بر سر ایالات کشمیر و جامو، اختلافات دامنه‌دار عرضی و مرزی با افغانستان، اختلافات منطقه‌ای و اختلافات عمدتاً ایدئولوژیک با ایران، بحران تروریسم جهانی و تحریم‌های بین‌المللی از طرف آمریکا، قرار گرفتن در منطقه بحرانی خاورمیانه در شمار مشکلات خارجی این کشوراند. به تبع مشکلات داخلی فراوانی گریبان‌گیر کشور پاکستان است. کودتاهای مکرر نظامی‌ها و ماهیت نظامی بودن حکومت، بحران دموکراسی‌سازی، نفوذ گسترده برخی از گروه‌های وابسته سیاسی در بدنه حاکمیتی، نفوذ نامتعارف گروه‌های اسلامی در جامعه و میان مردم با این توضیح که بسیاری از گروه‌های اسلامی پاکستان دارای ماهیت بنیادگرایانه هستند، مدرسه‌های فراوان مذهبی و گاه‌آکنترل نشده، نفوذ دامنه‌دار علمای وهابیت عربستان و قطر در بین گروه‌های اسلامی و مردم جامعه پاکستان، فقر گسترده و ضعف معیشتی مردم، نبود امکانات بهداشتی و درمانی در حد متداول، مشکلات اقتصادی، مشکلات ناشی از مواد مخدر و قاچاق، تکنولوژی پایین در کنترل باران‌های ویرانگر موسمی که سالایانه خسارات زیادی بر پیکره اقتصاد ورشکسته این کشور وارد می‌کند بخش از مشکلات فراوان جامعه پاکستان‌اند. بدیهی است سیستان و بلوچستان که خود مساعد و آگرایی‌های فراوانی (از بعد داخلی و بیرونی) است و نیز از تنگناهای زیادی (جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و...) رنج می‌برد در همجواری با چنین مرز پر آشوبی- بیش از این متأثر می‌شود. منتها تأثیرپذیری این استان از چالش‌ها و حفره‌های دولتی کشور پاکستان با وجود عقبه مذهبی و قومی و نارضایتی از حکومت داخلی (جمهوری اسلامی ایران) غیر قابل اجتناب است. لازم است به دور از هر گونه دیدگاه امنیتی، سیستان و بلوچستان با وجود پتانسیل‌های فراوانش (قرارگیری در مسیر ترانزیت شرق و کریدور جهانی شمال-جنوب، پتانسیل‌های فراوان گردشگری، وجود بندر دریایی و منطقه آزاد چابهار و اشراف بر دریای عمان به مثابه ژئوپلیتیک دسترسی به افغانستان و آسیای مرکزی، دسترسی به بندر تجاری گوادر و...)، در برنامه‌های خاص توسعه‌ای جمهوری اسلامی ایران بگنجد تا بتوان از این طریق زمینه‌های آگرایی آن را به حداقل رساند.

فهرست منابع

الف. منابع فارسی:

1. ایزدی، حسن، دبیری؛ علی اکبر (۱۳۹۲). «ارزیابی جغرافیای تروریسم در جنوب شرقی ایران»، **فصلنامه ژئوپلیتیک**، سال نهم، شماره ۱.
 2. احمدی پور، زهرا و دیگران (۱۳۹۰). «تبیین عوامل ناامنی در جنوب شرق ایران»، تهران: **فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی**، شماره ۲۷.
 3. اخباری، محمد؛ نامی، محمد حسین (۱۳۸۹). **جغرافیای مرز؛ با تأکید بر مرزهای ایران**، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
 4. امامی، حسام‌الدین (۱۳۷۸). **افغانستان و ظهور طالبان**، تهران: انتشارات شاب.
 5. پیشگاهی فرد، زهرا؛ میرزاده کوشاهی، مهدی (۱۳۹۰). «تبیین موانع مدیریت بهینه مرزهای ایران و پاکستان»، **فصلنامه راهبرد دفاعی**، سال سوم، شماره ۳۵.
 6. پیشگاهی فرد، زهرا؛ رضایی، ناصر (۱۳۸۸). «بررسی مفهومی و مصداقی حفره‌های دولت»، **فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی**، جلد نهم، شماره ۱۲.
 7. پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۸۵). «چالش‌های جامعه ایران از منظر جغرافیای سیاسی»، **فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی**، شماره ۵۷.
 8. پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۶۸). عوامل جغرافیایی مؤثر در مرز بلوچستان، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
 9. پاپلی‌یزدی، محمدحسین (۱۳۶۸). «پیامدهای سیاسی، اقتصادی بلوچستان بدون نخلستان»، **فصلنامه تحقیقات جغرافیایی**، شماره ۱۳.
 10. توحیدی، زهرا (۱۳۹۱ / ۵ / ۲۹). «واکاوی بحران کشمیر»، مرکز مطالعات راهبردی، تهران: مرکز تحقیقات مصلحت نظام.
 11. صراف‌یزدی، غلام‌رضا و دیگران (۱۳۹۰). «ساختار قدرت در پاکستان و علل ناپایداری سیاسی آن»، **فصلنامه علوم سیاسی**، شماره ۱۶.
 12. صدری، محمود (۱۳۸۴ / ۵ / ۲۹). «تنگناهای پاکستان و چاره‌اندیشی مشرف»، **ماهنامه همشهری دیپلماتیک**، شماره ۶۱.
 13. حسینی، سید محمود (۱۳۹۴). «سیستان و بلوچستان؛ ظرفیت فراموش‌شده»، ماهنامه ایران فردا، دوره جدید، شماره ۱۶.
 14. غفوری، محمود؛ داوند، محمد (۱۳۹۳). «تحلیل تهدیدهای دولت و جامعه پاکستان علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات شبه قاره**، سال ششم، شماره ۱۸.
 15. فارس نیوز (۱۳۹۲/۵/۱۱). «رئیس‌جمهور پاکستان وضعیت اقتصادی کشورش را بحرانی اعلام کرد»، آن‌لاین.
- <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920829000741#sthash.OuB8aYcI.dpuf>
16. فطرس، حسن؛ ترکمنی، اسماعیل (۱۳۹۱). «توسعه انسانی تعدیل شده و پایدار رشد اقتصادی، مقایسه تطبیقی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه»، **فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه انسانی**، سال دوم، شماره ۷.
 17. قالیباف، محمدباقر (۱۳۷۵). «بررسی و نقش عوامل جغرافیایی در امنیت سیستان و بلوچستان»، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران**.
 18. کاویانی‌راد، مراد و همکاران (۱۳۹۴). «تبیین آثار مقیاس‌های جغرافیایی بر شکل‌گیری پدیده ناحیه‌گرایی در جنوب شرق ایران»، **فصلنامه جغرافیای سیاسی**، سال اول، شماره ۱.
 19. کریمی‌پور، یدالله؛ محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۸). **ناحیه‌گرایی سیاسی و ژئوپلیتیک قومیت‌ها در ایران**، تهران: نشر انتخاب، چاپ اول.

- 2 0 . کریمی پور، یدالله (۱۳۷۹). *مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان* (منابع تنش و تهدید)، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی تربیت معلم.
- 2 1 . گلاهر، کارولین و دیگران (۱۳۹۰). *مفاهیم اساسی در جغرافیای سیاسی*، ترجمه حمد حسن نامی و علی محمدپور، تهران: انتشارات زیتون سبز.
- 2 2 . محمدی، حمیدرضا؛ احمدی، ابراهیم (۱۳۹۴). *ژئوپلیتیک ایران و پاکستان* (زمینه‌های همگرایی و واگرایی منطقه‌ای)، تهران: نشر انتخاب.
- 2 3 . ملازهی، پیر محمد (۱۳۹۱ / ۱۱ / ۲۳). «روابط پاکستان با عربستان ژرف و استراتژیک»، تهران: *مرکز بین‌المللی مطالعات صلح*. به آدرس: peace-ipsc.org
- 2 4 . مویر، ریچارد (۱۳۷۹). *درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی*، ترجمه دره میر حیدر و یحیی صفوی، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- 2 5 . میر حیدر، دره (۱۳۷۱). *اصول و مفاهیم جغرافیای سیاسی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- 2 6 . «نگاهی به اوضاع اقتصادی پاکستان»، *فارس نیوز*، به آدرس:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8910220008#sthash.XXMcaI3B.dpuf>

- 2 7 . ویسی ناب، فتح‌الله و همکاران (۱۳۹۲). «بررسی تطبیقی وضعیت شاخص‌های توسعه انسانی در کشورهای شبه قاره»، *فصلنامه شبه قاره*، سال پنجم، شماره ۱۷.
- 2 8 . هوشمند، احسان (۱۳۹۰). «توسعه سیستان و بلوچستان و چالش‌های پیش‌رو»، *فصلنامه فرهنگی- اجتماعی گفتگو*، شماره ۵۷.

ب. منابع انگلیسی:

- 2 9 . Abbas, Hassan (2010). **Shiism and Sectarian Conflict in Pakistan: Identity Politics, Iranian Influence and Tit-for-Tat Violence**, *Combating Terrorism Center at West Point*.
- 3 0 . Arshi Saleem Hashmi (2009). Pakistan Politics, Religion and Extremism, **Institute of Peace and Conflict Studies**, pp. 9-10, Available at: <http://www.ipcs.org/pdf.../RP20-Arshi-Pakistan.pdf>
- 3 1 . Ahmad, Moshtaq (1963). **Government and Politics in Pakistan**, Karachi Pakistan Publishing House.
- 3 2 . CIA World Fact Book (2015). Pakistan Economy, **Theodora**, http://www.theodora.com/wfbcurent/pakistan/pakistan_economy.html
- 3 3 . Dalrymple, W (2013). A deadly triangle: Afghanistan, Pakistan and India, **Brookings**, <http://www.brookings.edu/research/essays/2013/deadly-triangle-Afghanistan-Pakistan-India>
- 3 4 . Dikshit, Ramesh (1990). **Political Geography**, *New Delhi*, Manohar Publications.
- 3 5 . Deutsh, Karl W (1981). The Crisis of the State, Government and Opposition, **International journal of Comparative Politics**, vol. 16, No.3.
- 3 6 . Georges, Claude and Pierre Racists (2012). Pakistan's twin interrelated challenges: economic Development and security, **Australian journal of international Affairs**, Vol.66, No.2.

- 3 7 . Giddens, Antony (1985). **The Nation State and Violence**, (Cambridge: Polity Press).
- 3 8 . Hunter, Shireen (2014). **The Roots of Recurring Iranian-Pakistani Tensions**, the Lobi log Foreign policy.
- 3 9 . Human Development Report (2014). PAKISTAN, **HDI** values and rank changes in the 2014 Human Development Report.
- 4 0 . Human Development Report (2011). PAKISTAN, **HDI** values and rank changes in the 2014 Human Development Report.
- 4 1 . Hussain, Zahid (2007). **Frontline Pakistan: The Struggle with Militant Islam**, London: New York: I. B. Tauris.
- 4 2 . Hartshorn, Richard (1950). The Functional Approach in Political Geography, **Annals of the Association of American Geographers**, (40)
- 4 3 . IS recruiting thousands in Pakistan, Baluchistan government warned, **Dawn**, November 8t, 2014, <https://www.dawn.com/news/1143133>
- 4 4 . Jamal, Arif (2010), A Guide to Militant Groups in Kashmir, **Terrorism Monitor**, Vol. viii, issue 5.
- 4 5 . Johnson, Thomas H; Mason, M Chris (2008). No Sign until the Burst of Fire; Understanding the Pakistan-Afghanistan Frontier, **International Security**, Vol. 32, No. 4.
- 4 6 . Kronstadt, Alan and others (2010). Flooding in Pakistan: Overview and Issues for Congress, **CSR Reporter for Congress**, No, R41424, November.
- 4 7 . Kamran, Tahir (2008). The Political Economy of Sectarianism <http://spaces.brad.ac.uk:8080/download/attachments/748/Brief32fin>
- 4 8 . Mineral year book (2012). [The Mineral Industry of Pakistan in 2012, https://minerals.usgs.gov/minerals/pubs/country/2012/myb3-2012-pk.pdf](https://minerals.usgs.gov/minerals/pubs/country/2012/myb3-2012-pk.pdf)
- 4 9 . Mineral year book (2010). [The Mineral Industry of Pakistan in 2010, https://minerals.usgs.gov/minerals/pubs/.../2010/myb3-2010-pk.pdf](https://minerals.usgs.gov/minerals/pubs/.../2010/myb3-2010-pk.pdf)
- 5 0 . Neill, Alexander (2009). **Afghanistan /Iran/Pakistan Cross-Border Security Symposium**, London, Royal United Services Institute.
- 5 1 . Rashid, Ahmed (2008). **Descent into Chaos: How the War against Islamic Extremism is being lost in Pakistan, Afghanistan and Central Asia**. London: Penguin Group.
- 5 2 . Shah, Benazir, (November 8, 2014). Punjab goes on alert against the Islamic State, **Newsweek**, <http://newsweekpakistan.com/Punjab-goes-on-alert-against-the-Islamic-state>.
- 5 3 . Sipah-e-Sahaba Pakistan; **South Asian Terrorism Portal** (2013). <http://www.satp.org/satporgtp/countries/pakistan/terroristoutfits/lej>